

نکاتی پیرامون نبرد برای آزادی زندانیان سیاسی و سیاست حزب کمونیست ایران!

هر کس که فقط نظری به اخبار منتشره پیرامون شرایط زندانیان سیاسی بیندازد بخوبی میتواند حتی از ورای اخبار رسمی به اوضاع سرکوب هر دم تشدید شونده در زندانها پی ببرد. اما این شرایط حلقه جدا افتاده ای در کشاکش های کنونی نیست. شرایط زندان ها را بایستی بر بستر اوضاع سیاسی-اجتماعی جاری بررسی نمود. ما در اطلاعیه ای به مناسبت ۱۶ آذر چنین نوشتیم:

" اگر میتوان گفت که ۱۶ آذر میتواند سر فصل نوینی در جنبش اعتراضی و تحرکاتی انقلابی باشد! بدون تردید میتوان رقص مرگ پیکر "شهلا جاهد" بر چوبه دار را آغاز نمایش دوران نوینی در کشتار و سرکوب محسوب داشت . "

در واقع امر باید تاکید و اضافه کنیم که این رویارویی هم اکنون با شدت و ضعف در جریان است. تشدید اعتصابات و اعتراضات کارگری، برپائی تجمعات اعتراضی در ۱۶ آذر از سوئی و مانورهای پلیسی-امنیتی در سطح خیابانها و برپائی چوبه های دار و دست قطع کردن در ملا عام، یورش به خانواده فعالین زندانی، بگير و ببند گسترده کارگران مبارز و اقداماتی از این دست از سوی دیگر، همه و همه بیانگر تحرکات نوینی هستند که در میان نیروهای دو سوی جنگ جاری در جریان است. اما اخبار رویدادها حکایت از آن دارد که اوضاع بسوی دور جدیدی از تحرکات اجتماعی و سرکوب های گسترده تر گام مینهد. در آستانه اجرای یورش سازماندهی شده ارتجاع سرمایه داری حاکم به سفره کارگران و زحمتکشان ما بایستی تاکید کنیم که مولفه های نوینی موید تداوم جریان جنگ میان صفوف ارتجاع و مردم انقلابی است، امری که در تعیین تاکتیک و شعار جهت آزادی زندانیان سیاسی بایستی مد نظر قرار بگیرد. بر همین اساس ما در اطلاعیه ای پیرامون جایگاه مسئله زندانیان سیاسی در شرایط کنونی چنین نوشتیم: " اگر بپذیریم که میان جمهوری جنایتکار اسلامی و جنبشهای جاری اجتماعی یک جنگ نابرابر جاری و ساری است پس باید بدین امر هم معترف باشیم که فعالین در بند اسرای همین جنگ جاری هستند. و دقیقا به همین علت است که جنایتکاران حاکم در عین اجرای طرح های پلیسی-امنیتی گوناگون در سطح خیابانها همزمان به تشدید فشار در زندانها نیز میپردازند. ارتجاع حاکم در جنگی نابرابر بر علیه جنبشهای جاری، سرکوب اعتراضات و نبردهای خیابانی و در هم شکستن مقاومت در زندان را بطور همزمان در دستور دارد و گمان میکند که با به بند کشیدن فعالین قادر است که آن مطالباتی را هم که این فعالین برای آن مبارزه کرده اند به غل و زنجیر بکشانند. تمامی تلاش آنان جهت بر پائی انواع و اقسام طرحهای سرکوب و سبوعیت آنان در مقابله با اسرای جنبش های جاری اساسا منبعت از وحشت اشان از شعله وری درخواستها و مطالباتی است که محقق شدنشان پیشرفت بسوی تحقق شعار نان و آزادی و طبعا سرنگونی ارتجاع حاکم را رقم میزند. فعالین در بند منادیان مطالبات جنبشهای اجتماعی جاری هستند. نبرد متداوم برای آزادی زندانیان سیاسی بخش جدائی ناپذیر مبارزه برای تحقق شعار نان و آزادی است." بار دیگر بر این نکته تاکید میکنیم که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بخشی از مبارزه برای نان و آزادی است و بر این اساس کارگران کمونیست انقلابی امر مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را به مثابه بستری جهت سازماندهی مبارزه ای متحدانه با جنبشهای اجتماعی آزادیخواهانه جاری از جمله جنبش زنان و جنبش دانشجویی و جنبش ملتهای تحت ستم مورد ملاحظه قرار میدهند. کمونیست های انقلابی بایستی در پراتیک مبارزاتی عملا به همگان نشان دهند که پیگیر ترین و رادیکالترین مبارزان راه آزادی هستند. بدون تردید نگرش فوق تاکید است مجدد بر آنکه کمونیست های انقلابی بیان کننده و فعال و پرچمدار منافع آتی پرولتاریا میباشند. و

در شرایط کنونی سازماندهی یک نبرد گسترده جهت مطالبات آزادیخواهانه مناسبترین بستر جهت پیشرفت بسوی سوسیالیسم میباشد. و نبردی که بر اساس تحقق شعار نان و آزادی به اشاعه رادیکال ترین شعائر پیرامون مطالبات آزادیخواهانه مردم انقلابی از جمله آزادی زندانیان سیاسی و گشودن درب زندانها میپردازد، متضمن منافع آتی پرولتاریا است.

از زمانی که مانیفست کمونیست تمایز کمونیستها و سایر جریانات درون جنبش کارگری را حول نمایندگی منافع آتی پرولتاریا تبیین نمود متجاوز از یک قرن میگذرد. این نکته که منافع آتی پرولتاریا نیز امر دستیابی به سوسیالیسم و برقراری جامعه کمونیستی است نیز به نظر از امور بدیهی است. در عین حال ظاهرا اتفاق نظری عمومی پیرامون اینکه وجود گسترده ترین و پیگیر ترین دموکراتیسم سیاسی مناسبترین شرایط جهت نبرد پرولتاریا در گذار بسوی سوسیالیسم را فراهم میآورد، وجود دارد. اما در واقع امر آنچه در نگاه اول بسیار بدیهی مینماید در جریان پراتیک و اتخاذ مشی تاکتیکی در شرایط مشخص بیکباره به مرکز مجادله مبدل میگردد. یکباره پیروی از سیاست تنگ نظری و منافع آتی! تحت نام کارگران در مقابل منافع آتی جنبش پرولتری قرار میگیرد. این همان نکته ای است که ما میخواهیم بر آن مکث کنیم.

مقدم و پیش از هر چیز به یک شعار بد و گمراه کننده که اذهان را پیرامون سیاست کمونیستی آشفته میکند پردازیم.

حزب کمونیست ایران و مبارزه برای آزادی فعالین کارگری و دیگران!

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بیانیه ای پیرامون مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی منتشر نموده و با سرتیتر فوق " را در واقع به مبارزه برای " آزادی کارگران زندانی و دیگر فعالین سیاسی و اجتماعی " فرا میخواند. آنان خطاب به جنبش کارگری مینویسند:

" تلاش جهت حفظ و تحکیم این دستاوردهای باارزش از همه تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری و گرایشهای مختلف چپ درون جنبش کارگری می طلبد که برای عقب راندن سیاست سرکوبگرانه و ضد کارگری رژیم یکپارچه و متحدانه عمل نمایند. " و سپس خطاب به نیروهای چپ و کمونیست چنین مینویسند:

" اوضاع حساس کنونی از همه احزاب سیاسی و سازمانهای چپ و کمونیست، نهادهای مدافع جنبش کارگری و تشکلهای مدافع جنبش آزادیخواهانه مردم ایران و توده عظیم فعالین منفرد چپ و کمونیست می خواهد که علیرغم اختلافات روشن و اعلام شده ای که با هم دارند اما از آنجاکه امر خود را تقویت جنبش کارگری و مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران قرار داده اند، متحدانه و یکپارچه برای درهم شکستن سیاست سرکوبگرانه رژیم وارد عمل شوند. "

اما بزعم بیانیه کمیته مرکزی مبارزه بر علیه سیاست سرکوب و و دعوت و فراخوان چپ ها به اتحاد عمل در راستای کدام هدف باید تحقق یابد، خلاصه و مختصر بیانیه مینویسد:

" نیروهای جنبش چپ و کمونیستی ایران تنها با وارد شدن و گام نهادن در چنین اتحاد عمل و همکاری ها و تداوم آن است که می توانند در همانحال که استقلال حزبی و سازمانی خود را حفظ کرده اند اما در مقابل جمهوری اسلامی، اصلاح طلبان حکومتی و کل نیروهای اپوزیسیون بورژوائی در یک قطب سیاسی واحد ظاهر شوند. تنها در اینصورت است که جنبش چپ و کمونیستی ایران متناسب با اعتبار اجتماعی ای که در جامعه دارد می تواند نیروی واقعی خود را به نمایش بگذارد. "

بیانیه کمیته مرکزی چپ ها و کمونیست ها را فرا میخواند که به میدان بیایند تا یک "قطب سیاسی واحد" را در مقابل "جمهوری اسلامی، اصلاح طلبان حکومتی و کل نیروهای اپوزیسیون بورژوائی" به نمایش بگذارند. بیانیه کمیته مرکزی ضمن آنکه در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به تقدم و تاخر روی میآورد و این مبارزه را به مثابه مبارزه برای آزادی "فعالان کارگری" و "دیگران" تبیین مینماید و صد البته که در تمام اطلاعیه این "دیگران" کاملا غایب هستند؛ هدف از مبارزه بر علیه سرکوب را برپائی "قطب واحد سیاسی" اعلام میکند. این بیانیه علیرغم نیت پاک و تمایل صمیمی اش به همکاری مشترک میان نیروهای کمونیست و چپ در مجموع بیانیه ای تقلیل گرایانه است که پیرامون مبارزه آزادیخواهانه و ضرورت اتحاد جنبش کارگری با سایر نیروهای

جنبش آزادیخواهانه مغشوش و غیر اصولی است. ما در تبیین جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی چنین نوشتیم:

" تمامی تلاش آنان جهت بر پائی انواع و اقسام طرحهای سرکوب و سبوعیت آنان در مقابله با اسرای جنبش های جاری اساسا منبعث از وحشت اشان از شعله وری درخواستها و مطالباتی است که محقق شدنشان پیشرفت بسوی تحقق شعار نان و آزادی و طبعاً سرنگونی ارتجاع حاکم را رقم میزند. فعالین در بند منادیان مطالبات جنبشهای اجتماعی جاری هستند. نبرد متداوم برای آزادی زندانیان سیاسی بخش جدائی ناپذیر مبارزه برای تحقق شعار نان و آزادی است."

ما این مبارزه را در پرتو سیاست متبلور در شعار نان و آزادی و در مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی تبیین و تشریح نمودیم. برای ما نبرد برای آزادی رفقای کارگر دربندمان به مثابه زندانیان سیاسی در پرتو چنین سیاستی و با شعار آزادی زندانیان سیاسی و گشودن درب زندانها با اتکا به نبرد متحدانه جنبش کارگری و جنبشهای آزادیخواهانه جاری معنا و مفهوم مییابد. خط مشی تاکتیکی که بر اساس متدولوژی -ما و دیگران- قرار بگیرد و هدف مبارزاتی اش قطب واحد سیاسی باشد، سیاستی تقلیل گرایانه است. با اتخاذ چنین سیاستی نمیتوان سیاست پرولتری را به ملکه ذهنی جنبش آزادیخواهانه مبدل نمود.

سخن روز-تلویزیون کومله-منتشره در سایت حزب کمونیست ایران

در اینجا ضروری است که اشاره کوتاهی به سخن روز در تلویزیون کومله، منتشره در سایت حزب کمونیست ایران داشته باشیم که علیرغم سعی ناموفق در تصحیح سر تیترا بیانیه کمیته مرکزی در متن بدرستی چنین اظهار میدارد: " اخبار و گزارشاتی که طی روزهای اخیر به خارج از زندان ها رسیده است نشان از آن دارد که اقدامات رژیم علیه زندانیان سیاسی شدت یافته است و بسیاری از آنان در وضعیت دشواری به سر می برند. به علاوه رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست بگیر و ببند و سرکوبگرانه خود در هفته های اخیر شمار کثیری از فعالین و پیشروان جنبش کارگری، فعالین جنبش زنان، فعالین دانشجویی و وکلای دادگستری را دستگیر و در شرایط دشوار در زندان نگاه داشته است."

و متعاقب این بررسی که بر اساس شرایط عملاموجود جنبش آزادیخواهانه صورت گرفته چنین ادامه میدهد: " از اینرو شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" همه جا باید طنین انداز شود. نیابستی اجازه داد انسان هایی که برای دفاع از هم طبقه ای های محروم و استثمار شده خود، برای دفاع از عقاید و باورهایشان، در اعتراض به ستم و سرکوب، استثمار، نابرابری و تبعیض و به دلیل اعتراض به دیکتاتوری حاکم، به زندان ها افتاده اند، خود را تنها احساس کنند. پژواک صدای اعتراض مردم در بیرون از زندان ها، نیروی مقاومت و اراده زندانیان در پشت میله های زندان را تقویت خواهد کرد." اگر چه سخن روز تلویزیون کومله از مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به مثابه اهرم فشار بر جمهوری اسلامی یاد کرده و کماکان معلوم نیست که مبارزه جهت آزادی زندانیان سیاسی در پرتو کدام سیاست تاکتیکی قرار دارد، اما در مولفه های بررسی اش به موارد اصولی انگشت مینهد.

در انتها ضروری است که تاکید کنیم که نبرد جهت سازماندهی پرولتاریای انقلابی در راه تسخیر قدرت سیاسی مشروط و منوط بر آن است که کمونیستهای انقلابی در مقابله با هر تند پیچ در تحولات اجتماعی-سیاسی قادر باشند که با حرکت از منافع طبقاتی پرولتاریا به اتخاذ سیاست تاکتیکی اصولی اقدام نمایند. سیاست تاکتیکی که امکان اتحاد صفوف پرولتاریا و متحدین تاریخی اش را فراهم نماید. گسترش سیاست پرولتری در صفوف انقلاب و در عین حال مقابله با سیاستهای لیبرال رفرمیستی در این صفوف بستر اساسی اتوریت پرولتاریای کمونیست در این صفوف است. اتحاد در صفوف جنبش کمونیستی نیز از همین طریق محقق میگردد. ما در اینباره باز هم خواهیم نوشت.